

یادداشت روزنامه‌نگار مستغفی

تنهایی فلسفی یک جوجه + کمی اکسیدان



لیلی فرهادپور

● دیدن نمایش عروسکی که برای بزرگسالان تهیه شده باشد، جذابیتی مضاعف دارد؛ به همان اندازه که دیدن کارتون و انیمیشی به این‌گونه است؛ قلقلک نوستالژی دنیای کودکی، جذابیت فانتزی و اجازه وسعت‌دادن به تخیل و ده‌ها دلیل دیگر می‌توان برای آن برشمرد. مسلما برای تولیدکننده این آثار نیز باید جذابیت‌هایی متفاوت وجود داشته باشد که شاید کمترینش، آوردن صداقت و منطق کودکانه در خلق آن است؛ صداقت و منطقی ناب. این روزها نمایش عروسکی «بیست‌ویک روز» برای مخاطب بزرگسال به نویسنده‌ی، طراحی و کارگردانی بهادر مالکی در تئاتر شهروزاد روی صحنه است؛ ۳۵ دقیقه لحظات ناب که بهادر در این «فامیل دور» همه (ما) برای ما رقم می‌زند. این نمایش حکایت جوجه‌خروسی است که بالاخره بعد از بیست‌ویک روز به دنیا می‌آید. بهادر مالکی ابتدا مارگزوار یک «ماکاندو» (شهر رمان صدسال تنهایی) برای ما می‌سازد. یک جزیره در میان آب‌ها که پدری استعلایی در آنجا درحال خوردن و خوابیدن است و یک‌دفعه خود را در برابر بچه‌دارشدن، آن‌هم یک جوجه‌خروس، می‌بیند. جوجه‌خروس مثل هر فرزندی بزرگ می‌شود و مثل هر پسری زن می‌خواهد! شعر شاملو که به مثابه یک موتیف مرتب از زبان این جوجه‌خروس تکرار می‌شود، به این نمایش مسرت‌کننده، طزی گروتسک‌وار داده است؛ آنجایی که می‌گوید: پدر ای مهر بی‌دریغ/ چنانکه خود بدین رسالتم برگزیدی/ چنین تنهایی به خود او نهاده‌ای؟ مرا طاق‌ت این درد نیست/ آزاد کن/ آزاد کن/ آزاد کن پدر!/

روابط بینامتنی در این نمایش نیز با کارکردی نوستالژیک همراه است؛ اشک‌ها و ترانه‌هایی آشنا که در متن و فرم، آشنآزدایی شده‌اند و کار را جذاب‌تر کرده‌اند؛ موسیقی متن فیلم‌های پدرخوانده، شعله، تایتانیک، لاواستوری، روز واقعه و ترانه‌ای از لئوناردو کوهن.

از نظر فرم و شیوه اجرا، «بیست‌ویک روز» کاری تک‌نفره و عروسکی است که به شیوه «توپ و دست» اجرا می‌شود. در شیوه توپ و دست، عروسک به شکل توپ بر انگشت دست بازی‌دهنده قرار می‌گیرد و از آن بازی گرفته می‌شود. بهادر مالکی نمایش عروسکی خوانده و عاشق عروسک است. شاید برای همین است که شخصیت «فامیل دور» در تمام دوره کلاه‌قرمزی، شخصیتی متفاوت شده است.

«بیست‌ویک روز» در پردیس تازه‌راه‌اندازی‌شده تئاتر «شهروزاد» روی صحنه است. یک مجموعه تئاتری جدید که به مجموعه تئاترهای خصوصی اضافه شده است. اشکان خطیبی بعد از حضور موفق در راه‌اندازی سالن‌های پردیس چارسو، اکنون گویا همت به رتق‌وتوق امور این مجموعه گمارده است. در سالن‌های این پردیس چهار نمایش «هم‌لست۲۰۱۷» به کارگردانی کیومرث مرادی، «ماه پیشونی» به کارگردانی آزاده انصاری، «بیست‌ویک» به کارگردانی بهادر مالکی و «بهمن‌کوچیک» به کارگردانی مهران نائل در حال اجرا هستند.

از آنجایی که در معرفی «بیست‌ویک روز» آورده‌اند که «این نمایش حکایت تنهایی تمام خروس‌هایی است که بی‌مرغ مانده‌اند»، فکر می‌کنم اگر چند خطی هم در مورد فیلم «اکسیدان» بنویسم مابصما بشود. اکسیدان هم حکایت مردی است که نامزدش؟ عشقش؟ زنش؟ ترکش کرده، رفته خارج و او مانده است بدون یار. این دومین فیلم سینمایی حامد محمدی است. در فیلم اولش؛ یعنی «فرشته‌ها با هم می‌آیند» از نزدیک با این جوان بااستعداد کار کردم. شبت سر حامد محمدی می‌گویند که آقاآزاده سینماست چون پسر «منوچهر محمدی»؛ یعنی یکی از قدر تهیه‌کنندگان این مملکت است. همواره هم پشت سر منوچهر محمدی این غیبت رایج است که دولتی بوده و... با همه این اوصاف می‌بینیم که این فیلم از هجمه برخی کاسه‌های داغ‌تر از آتش بی‌نصیب نمانده است. مسلما، چه پدر بانفوذداشتن و چه دولتی‌بودن یا نبودن ربطی به استعداد کسی ندارد. حامد فقط فیلم‌ساز نیست، داستان نویس هم هست و سری پرشور دارد و نگاهی پیشرو. پیشروبودن نگاه حامد به تناسب خاستگاه طبقاتی و اجتماعی‌اش پررنگ‌تر می‌شود. نکته دیگر در فیلم اکسیدان که برای من محترمش می‌کند، هجو بسیار هوشمندانه حقوق بشر لیبرالی غربی است. اینکه چگونه نوکیشی و فعالیت سیاسی می‌تواند ملبعا‌ی شود برای ویزاگرفتن از کشورهای اروپایی. البته برخورد بدون تدبیر هم در این مقولات، آبی است که به این آسیاب حقوق‌بگیری حقوق‌بشری غربی ریخته می‌شود. اگر در داخل بگذارند این نوع برخوردها نقد شود و ما بتوانیم رخت چرکمان را در خانه خودمان بشوییم، هیچ آدم عاقلی به خانه همسایه رخت چرکش را نمی‌برد، غیر از منفع‌طلبان بی‌اخلاق.

از من خواسته شده بود و تصمیم هم گرفته بودم برای اولین‌بار سکوت کنم. مقاومت خوبی هم داشتم اما انگار سرنوشت فیلم‌های من با شکایت و نگارش نامه‌های معترضان‌ه کره خورده است. بسیاری از حرف‌ها را می‌توان نشنید اما برخی را حتما باید جواب داد. راه دور و عدم دسترسی به تیم جدید مدیریت سینما و مطلع‌کردن آنها از گذشته پیچیده و تلخ فیلم، برای دستیابی به یک تصمیم هوشمندانه هم مزید بر علت شد تا این یادداشت مفصل نگاشته شود.

حدود هشت سال پیش وقتی مدیران وقت وزارت ارشاد به فقر موجود در فیلم «هیج» اعتراض کردند، با خود فکر می‌کردم شناخت آنها از جغرافیا محدود است و حتما پایین‌تر از انقلاب را به جا نمی‌آورند. بر این باور بودم یادشان رفته دولت متبوعشان با شعار فقرزدایی روی کار آمده است. سال پیش هم وقتی با اعتراض همه‌جانبه مدیران وقت وزارت ارشاد علیه فیلم «ارادتمند نازنین بهاره تینا» مواجه شدم، در اتفاقی مشابه، گمان کردم آنها هم شناختی از جغرافیا ندارند و البته این گروه خلاف چیزی که وانمود می‌کنند، بالاتر از انقلاب را نمی‌شناسند. حالا فکر می‌کنم اگر مثل بعضی‌ها قدری موقعیت‌طلب و زمان‌شناس بودم، باید فیلم «هیج» را سال گذشته و فیلم «ارادتمند نازنین بهاره تینا» را هشت سال پیش می‌ساختم و حتما ستایش هم می‌شدم. مشکل از آنجا ناشی می‌شود که من فیلم‌ساز موردعلاقه مدیران نیستم و نباید هم باشم و اتفاقا به جغرافیای کشورم اشراف دارم. می‌دانم آدم‌های فیلم «هیج» در حال‌حاضر در چه وضعی به سر می‌برند و قطعا شخصیت‌های فیلم «ارادتمند نازنین بهاره تینا» به چنان به سرعت در حال تغییرند که همین فیلم به‌زودی برایشان اثری مضحک خواهد شد. شخصیت‌های این فیلم آدم‌های اطراف ما هستند که اصرار به حذف و ندیدنشان داریم! چقدر درباره مادران پاک و پدران موجه فیلم بسازیم! پس نیست؟! چقدر در مورد فرزندان‌مان به تماشاگر واقعی دروغ بگوییم؟ این همه پنهان‌کاری به چه کار ما می‌آید؟ کنار گذاشتن واقعیت‌ها چه دردی از ما درمان می‌کند؟ اصلی‌ترین مشکل من هنگام ساخت فیلم «ارادتمند نازنین بهاره تینا» چشم‌پوشی خودخواسته از واقعیت بود که البته ساز هم فایده‌ای نداشت. فیلم توقیف شد و حالا غیبطه می‌خورم که ای کاش لااقل تمام فیلم‌نامه‌ای که مجوز گرفته بود را می‌ساختم. وقتی سیاست از فرهنگ مستعمره بسازد، نتیجه‌اش همین می‌شود. برای همین هر هفته اخباری از توقیف و ممیزی به گوشمان می‌رسد.

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات فیلم‌سازی فاصله اجتماع با فیلم‌های شبه‌واقعی است. فیلم‌ساز اجازه نمایش واقعیت را ندارد و هر لحظه فاصله‌اش با



نوشتاری از عبدالرضا کاهانی، کارگردان «ارادتمند نازنین بهاره تینا»

تاکی وقت داریم؟

مردم بیشتر می‌شود. فیلم‌های واقع‌گرایانه و اجتماعی برای تماشاگر خنده‌دار شده است. از چه می‌ترسیم؟! از واقعیت موجود؟! مردم که بر واقعیت اشراف دارند و بسیار هم جلوتر از فیلم‌ها و مدیران هستند. ما حتی تحمل نمایش فیلمی مانند «وقت داریم حالا» را هم نداریم! فیلمی که اساسا به جامعه فرانسه می‌پردازد و من در مهاجرت به این کشور آن را ساختم. چرا این فیلم را نمایش نمی‌دهید؟ مشکل این فیلم دقیقا چیست؟ گمان می‌کنید مردم فیلم نمی‌بینند و ممکن است فیلمی مانند «وقت داریم حالا» که با رعایت موازین و قوانین پخش در ایران ساخته شده آنها را متعجب کند؟ نزدیک به چهار سال از ساخت این فیلم می‌گذرد و چند مدیر سینمایی عوض شده اما هنوز جواب روشنی به من داده نشده است. من این فیلم‌ها را چون عاشق سینما هستم که نمی‌سازم! شما لاید دوست دارید واقعیت‌ها را ببینید و به روی خودتان بیاورید. نتیجه‌اش هم بشود جامعه متظاهرانه با رفتارهای متظاهرانه. من اما سعی می‌کنم با مردم صادق باشم حتی اگر دوستم نداشته باشم. من وظیفه دارم مردم و حال فعلی آنها را درک کنم و نمی‌توانم به سیاست‌های عقب‌مانده و قوانین کهنه اقرین بگویم. شما می‌توانید و قدرتش را هم دارید که فیلم را به بایگانی بسپارید اما نمی‌توانید من را به دروغ‌گویی متهم کنید. می‌توانید فیلم را از لیست تولیدات سالانه سینمای ایران حذف کنید اما نمی‌توانید منکر هستی فیلم شوید. می‌توانید نمایش‌های فستئوالی و خارجی فیلم را مانند چند فیلم دیگر ممنوع اعلام کنید اما نمی‌توانید ثابت کنید فیلم فقط برای خارجی‌ها

ساخته شده است. می‌توانید بگویید که کاهانی فیلم‌نامه‌ای به وزارت ارشاد ارائه نکرده اما نمی‌توانید فیلم‌نامه کامل و بارها خوانده‌شده من را در آرشيو وزارت ارشاد ببینید. می‌توانید برای فرار از برخی‌ها خلاف واقع بگویید که فیلم با فیلم‌نامه متفاوت است اما نمی‌توانید این دورا با هم مقایسه نکنید. می‌توانید تقصیر را گردن دیگران بیندازید و اعلام کنید فیلم با حکم خاص ساخته شده اما چرا حکم را نشان نمی‌دهید؟ چون ایمان دارید این واژه برانزده برخی کارگردان‌ها است؛ کارگردان‌هایی که روز به‌روز به تعدادشان اضافه می‌شود و البته آنها هم مدلی جدید از بشر هستند. مدلی که هم ممیزی می‌کند و هم ادعا دارد از ممیزی متفر است. هم فیلم دولتی می‌سازد و هم داعیه استقلال دارد. هم جایزه می‌خواهد و هم از جایزه بدش می‌آید. اینها نوعی از موجودات جدید محسوب می‌شوند که در همه دولت‌ها و مجامع هم حضور دارند. کسانی هستند که با کینه‌ورزی فضا را تخریب می‌کنند. کارگردان‌های ممیز همان‌ها هستند که فیلم را ندیده قضاوت می‌کنند و براساس شنیده‌هاشان مصاحبه مفصل می‌کنند و درشت‌نمایی! مثلا می‌گویند «فیلم» [ارادتمند] در مورد زنائی است که برای مردان لهله می‌زنند» اینها همان‌ها هستند که حقوق و مزایای ممیزان را دریافت می‌کنند اما حاضر نیستند وظیفه‌شان تخریب‌ها را تکرار کنیم؟ اینکه فیلم‌ساز مسئله را طرح کند الزاما به دلیل قربابت با آن نیست و این همان مسئله‌ای است که ممیز آن را درک نمی‌کند.

حرف‌های بی‌پایه و اساس استناد کرده و حتی خلاصه داستان فیلم دیده‌نشده را از لابه‌لای همین حرف‌های بی‌پایه استخراج می‌کنند. می‌توانید و قدرتش را دارید من را به سکوت دعوت کنید و خودتان درباره فیلم دیده‌نشده مدام گفت‌وگو و جوسازی کنید و از آن یک فیلم ترسناک بسازید. می‌توانید عوامل و سرمایه‌گذاران سینما را به خاطر همکاری با من سرزنش کنید. می‌توانید توصیه کنید بهتر است به فیلم بعدی فکر کنم. می‌توانید پیش از انتخابات بگویید مشکل فیلم‌های توقیفی را حل خواهیم کرد و پس از آن حرفتان را تغییر دهید. می‌توانید فیلم توقیفی را بارها و بارها ببینید و حتی آن را با تیتَر «بازبینی وزارت ارشاد» که روی فیلم حک شده، به دوستان و نزدیکانتان برسانید و پز بدهید فیلم را دیده‌اید و با افتخار به آنها هم توصیه کنید، ببینند و کاری کنید که نسخه ناقص فیلم در مجامع دوستانه خودتان دست به دست بچرخد و از همه مهم‌تر با تماشای فیلم نگران منحرف‌شدن خودتان از نزدیکانتان نشوید. چرا بارها یک فیلم توقیفی را می‌بینید و منحرف هم نمی‌شوید اما نگرانید مردم با یک بار تماشای آن فاسد شوند؟!

شما می‌توانید کارهای زیادی انجام دهید و حرف‌های زیادی هم بزنید و این قدرت را دارید که اگر از فیلمم دفاع کنم، نام فیلم‌ساز جنجالی را به من نسبت دهید. رسانه‌های همسو با این فکر هم که مدت‌هاست تکلیفشان معلوم است و پیداست چه خواهند نوشت! شما به وقشت می‌توانید چشمتان را روی وقایع ببندید و وانمود کنید همه چیز عالی است و مشکلی نیست و اصلا بیایید همه با هم برویم شمال و بگوییم به‌به چه هوای خوبی! اما آیا ممیز تعهد می‌دهد با لاپوشانی مسائل حل شود؟! آیا موضوعاتی چون اختلاس، مسکن، اخلاق، دروغ و... که به راحتی به دام قیچی ممیزی افتاد، بحران سال‌های بعد نشد؟

از آنجا که مجربسان ممیزی دچار فقر تحلیل‌اند، توان خالی‌کردن یک اثر از محتوا را دارند. نگاه ایشان به اثر هنری چون یک مانیفست است. در صورتی که اثر هنری می‌تواند درشتی از واقعیت موجود باشد. چقدر این حرف‌ها را تکرار کنیم؟ اینکه فیلم‌ساز مسئله را طرح کند الزاما به دلیل قربابت با آن نیست و این همان مسئله‌ای است که ممیز آن را درک نمی‌کند.

مدیران سابق مدعی بودند فیلم «ارادتمند نازنین بهاره تینا» با فیلم‌نامه مصوب تفاوت دارد. فرض می‌کنیم حرف آنها صحیح است. آماذکی دارم همان فیلم‌نامه مصوب در وزارت ارشاد را دوباره و با حضور و نظارت همه ممیزان مقیم مرکز و البته به شرط اکران قطعی بسازم. با همه با هم به اندرزگو و قیطره برویم و ببینیم فیلم من از واقعیت دور است یا شما چشمتان را روی واقعیت بسته‌اید.



فاطمه معتمدآریا در نشست خانه سینما:

نمی‌خواهیم عکس کمک به بیماران را پخش کنیم

گروه هنر: فاطمه معتمدآریا، عضو هیئت‌مدیره خانه سینما، در نشست این

خانه در روز سه‌شنبه، ۲۰ تیر گفت: مسئله‌ای که در هیئت‌مدیره فعلی بر آن اصرار ورزیده می‌شود این است که هیچ کار جدیدی را شروع نکنیم و از پیگیری‌هایی که برای بیماران به‌ویژه در بحث بیمه انجام می‌دهیم هم نمی‌خواهیم عکسی پخش کنیم. این سنتی بوده که از قبل در خانه سینما وجود داشته و ما سعی کردیم آن را ادامه دهیم. فاطمه معتمدآریا که با ۲۸ رای و بالاترین میزان رای عضو هیئت‌مدیره شده و این سوومین دوره همکاری‌اش در این سمت است، تأکید کرد: ما به دنبال این هستیم بودجه‌ای را که در اختیار داریم صرف کسانی کنیم که عضو اصلی خانه سینما و از طریق کارهای سینمایی عضو این نهاد صنفی هستند و بیمه جای دیگری نیستند. همایون اسعدیان، رئیس هیئت‌مدیره خانه سینما، ظهر نیز در نشست خبری اعضای هیئت‌مدیره خانه سینما درباره توقیف فیلم‌ها و واکنش خانه سینما گفت: دوستان، هم در هیئت‌مدیره قبلی و هم در هیئت‌مدیره فعلی تلاش می‌کنند تا مشکلات فیلم‌سازان؛ از قاچاق فیلم تا توقیف آنها حل شود و ما با شکایت و نامه‌نگاری این مسائل را پیگیری می‌کنیم. همایون اسعدیان درباره فیلم «گشت ۲» و دلخوری سعید سهیلی، افزود: همانند هیئت‌مدیره قبلی، من نیز هر کاری را که انجام می‌دهیم، در بیوق و کرنا نمی‌کنیم. خانه

کارتون



«اون» روی عرشه تایتانیک

ظاهرا هیچ چیز جلودار رهبر جوان و جنجالی کره‌شمالی نیست. نه تحریم‌های بین‌المللی و نه تهدیدهای نظامی. او یکی از جوان‌ترین رهبران دنیاست که بی‌اعتنا به وضعیت اقتصادی و رفاهی مردم، راه نجات را نه در تعامل که تنها در پیشرفت‌های نظامی می‌داند؛ پیشرفت‌هایی که به عقیده او می‌توانند غرور و ایستادگی را جایگزین عباراتی چون آزادی و رفاه کنند.

تصویر طعنه‌آميز کاریکاتورپرست با الهام از کشتی تایتانیک و جمله معروف لئوناردو دی‌کاپریو که در همراهی با معشوقه‌اش از سر خوشحالی و احساس خوشبختی، خود را سلطان جهان نامید، ذهن خیالپای این رهبر نظام کمونیستی را بیش از پیش عیان می‌کند؛ کشتی‌ای پوسیده که به‌جای رسیدن به ساحل آرامش، در مسیر برخورد با صخره‌های خطرناکی است که راهی جز منتهی‌شدن به سرنوشت تایتانیک را برای او باقی نمی‌گذارد.

کاریکاتور از: کن کاتانیلو.

زیر آسمان فیروزهای

جایزه‌ای تازه برای داستان فارسی



● به‌همت جمعی از داستان‌نویسان، جایزه‌ای با نام احمد محمود برگزار می‌شود. نخستین دوره این جایزه در دو حوزه رمان و مجموعه‌داستان هم‌زمان با سالروز تولد احمد محمود، چهارم دی منتخبان خود را خواهد شناخت. این جایزه در نظر دارد با مشارکت تعداد بیشتری از اهالی ادبیات در هیئت انتخاب آثار داوری فراگیرتری رقم بزنند، به‌این‌ترتیب که گروهی از منتقدان و داستان‌نویسان آثار داستانی سال ۹۵ را بررسی کرده و در آخر هیئت داوری مرحله نهایی منتخبان را برگزیند. اسامی سارا سالار، مهدی ربی، محمدحسن شهنسوری، کامران محمدی، بیمان هوشمندزاده و مهدی یزدانی‌خرم به‌عنوان داوران نهایی این جایزه اعلام شده‌اند. به‌گفته کامران محمدی، دبیر جایزه، جایزه نقدی سه‌میلیون تومان است که همراه تندیس به نفرات برتر اهدا خواهد شد.

پاسخ صالحی به شایعات درباره وزارت ارشاد



● سیدعباس صالحی به شایعاتی که عصر دوشنبه درباره فرهنگ و ارشاد اسلامی مطرح شد، پاسخ داد. معاون فرهنگی وزارت ارشاد در گفت‌وگو با ایسنا تصریح کرد: این روزها گمانه‌زنی‌ها و شایعات درباره اعضای کابینه هر روز و هر ساعت مطرح می‌شود؛ چند وزیر نصب و چند وزیر عزل می‌شوند؛ اما همان‌گونه که می‌دانید انتخاب وزرا بر عهده رئیس‌جمهور منتخب جاب آقای دکتر روحانی است که نا روز معرفی به مجلس شورای اسلامی، اعلام رسمی و قطعی پیدا نمی‌کند. او ادامه داد: براساس اطلاعات خدوم عرض می‌کنم که گویا آقای دکتر روحانی با وزرایی که قصد ادامه همکاری با آنان در دولت آینده را دارند جلساتی خصوصی داشته‌اند و با کسانی که قصد ادامه همکاری ندارند این جلسات برگزار نشده است. در این میان در روزهای اخیر با جناب آقای دکتر صالحی‌امیری، وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی هم این جلسه خصوصی برگزار شده است.

«نقطه و شیر»

مستندی درباره تناولی اکران شد



● گروه هنر: فیلم مستند «نقطه و شیر» ساخته سروزان علم‌بیگی و تهیه‌کنندگی گالری ۱۰ دوشنبه ۱۹ تیر به نمایش درآمد. این فیلم ۲۰ دقیقه‌ای برای نخستین‌بار در آیین گشایش نمایشگاه «پرویز تناولی و شیرهای ایران» به نمایش درآمد و با استقبال روبه‌رو شد. علم‌بیگی با استناد از انیمیشن و با نگاهی هنرمندانه و ساختارشکن و بدون آوردن پرویز تناولی در برابر دوربین، مستندی درباره تناولی و اندیشه‌های او ساخته است که به چهار وجه شخصیت هنری و فرهنگی او یعنی مجسمه‌سازی، نقاشی، نویسندگی و مجموعه‌داری نگاه می‌کند. در پایان نمایش فیلم «نقطه و شیر» جلسه نقد و بررسی این فیلم با حضور هوشنگ گلמکانی، منتقد سرشناس و سردبیر ماهنامه فیلم و سروزان علم‌بیگی (کارگردان) برگزار شد. سروزان علم‌بیگی (سازنده مستند نقطه و شیر) گفت: فیلم «نقطه و شیر» از مجسمه فرهاد آقای تناولی شروع می‌شود، سپس به آتلیه کبود ایشان می‌رسد، بعد بر طلسم‌ها و مجموعه‌داری آقای تناولی متمرکز می‌شود، بعد از آن قفل‌ها را می‌بینیم. سپس مکتب سقاخانه و هیچ است و در نهایت به شیرها می‌رسیم. تنها در انتهای فیلم است که آقای تناولی در فیلم حضور پیدا می‌کند. علم‌بیگی در گفت‌وگو با ایلنا، با اشاره به محدودیت زمانی برای ساخت این فیلم گفت: حدود سه ماه پیش، با آقای بهزاد حاتم (دبیر نمایشگاه) گفت‌وگویی داشتم. آقای حاتم پیشنهاد کردند که من این فیلم را بسازم. چون زمان محدود بود، اصلا نمی‌تواستم راه آزمون و خطا در پیش بگیرم. پس باید دقیق می‌دانستم که چه می‌خواهم. بنابراین مدت زمان ساخت فیلم برای من واقعا کوتاه بود. تصمیم داشتم قطعا از انیمیشن استفاده کنم و در عین حال می‌خواستم به اصل کارهای آقای تناولی وفادار بمانم. برای ساخت انیمیشن‌ها از آثار ایشان استفاده کردم و در کارهای‌شان هم دخل و تصرفی صورت ن‌دادم. همچنین از یک‌سری از مجموعه‌های بازارش دیگر، مثل عجایب‌المخلوقات قزوینی بهره بردم. این فیلم‌ساز افزود: محوریت فیلم، بیشتر روی خاطرات آقای تناولی است. اولین متراپلی که برای ساخت این مستند به دست من آمد، یک‌سری عکس بود که از قدیمی‌ترین عکس‌های آقای تناولی به حساب می‌آمد. البته من از همه این عکس‌ها در این مستند استفاده نکردم. آقای تناولی یک عادت‌ی که داشتند، این بود که پشت عکس‌هاشان، یک‌سری یادداشت‌های کوچک می‌نوشتند.